اخبار کوتاه

محکومیت ۱۸ میلیارد ریالی قاچاقچی طلا

مأموران پلیس مستقر در ایست و بازرسی شهید شیردل کامه تربت حیدریه در بازرسی از یک تبعه افغانستانی که وارد خاک کشور شده بود ۶۸ قطعه شمش طلا به وزن ۴ هزار و ۵۲ گرم را به ظن قاچاق توقیف کردند.
پرونده این فرد پس از تکمیل تحقیقات اولیه به شعبه گلوگاه شیردل کامه ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز مستقر در تعزیرات حکومتی تربت حیدریه ارسال شد.
پس از طی مراحل قانونی سرانجام اتهام وارده به این تبعه خارجی محرز دانسته شد و علاوه بر ضبط کالا متهم به پرداخت مبلغ ۱۸ میلیارد و ۲۹۸ میلیون و ۷۶۸ هزار و ۱۱۰ ریال در حق صندوق دولت محکوم گردید. به گفته سیدمرتضی مدنی فدکی، مدیرکل تعزیرات حکومتی خراسان رضوی حکم صادره در مرحله انجام است و متهم ملزم به پرداخت جریمه نقدی می باشد.

کشف محموله تریاک از خانه سارقان موتور

خبر سرقت یک دستگاه موتورسیکلت از مقابل بیمارستانی در مشهد از سوی مرکز پیام پلیس به کلانتری مصلی اعلام و تیمی از مأموران دایره تجسس این مجموعه انتظامی به محل ارتکاب جرم اعزام شدند. در بررسی های اولیه مأموران کلانتری مصلی با استفاده از تصاویر چند دوربین مداربسته هویت سارقان که یک زن و مرد جوان بودند فاش شد. مأموران طی ردزنی میدانی سرانجام مخفیگاه متهمان را شناسایی و در اقدامی ضربتی زن و مرد جوان که اعتیاد به موادمخدر داشتند را دستگیر کردند.
مأموران پلیس در بازرسی از مخفیگاه متهمان که زن و شوهر هستند یک کیلو تریاک، ۷۰ گرم حشیش به همراه یک کیلوگرم شیره تریاک را کشف کردند. به گفته سرهنگ عباس صارمی ساداتی، فرمانده انتظامی مشهد متهمان پس از تکمیل تحقیقات اولیه برای کشف دیگر جرائم احتمالی در اختیار مرجع قضایی قرار گرفتند.

داستان جنایی

ستاره‌های کویری
(قسمت دوم)

ایلیا موسایی

عصر بهاریِ وحشی و آشوبگری بود. صدای رگبار، قلب آدم را از جا می کند و صدای جیغ و فریاد بچه‌ها توی ماشین بلند می‌شد. دست‌ها را روی هردو گوش می گذاشتند و خنده بلندشان با جیغ یکی می‌شد. مسیر کوتاه بود ولی دوقلوها و آرمین آنقدر با هم خوش گذراندند که زن‌ها حس کردند سال‌های سال است با هم صمیمیت عمیقی دارند. قطره‌های تند باران شیشه‌ها را می‌شست و به محض اینکه توی کوچه پیچیدند باران بند آمد و دیدند که ابرهای غول آسا چطور از هم شکافتند و شعاع عظیم آفتاب مثل آبشاری نورانی از بالا سرازیر شد و ناگهان چشمشان افتاد به قوس رنگین کمان که در افق، پلی بنفش و نارنجی درست کرده بود و ستاره تمام این‌ها را نشانه‌های خوش‌یمنی از دیدار با مونا تعبیر کرد.
موقع پیاده‌شدن، دوقلوها پا به زمین کوبیدند که می خواهند باز هم بازی کنند. مونا پایین آمد هرسه بچه را بوسید و چیزی دم گوش آن‌ها زمزمه کرد که راضی شدند دوباره همین روزها همدیگر را ببینند. مونا موقع خداحافظی کارت ویزیتش را لای دو انگشت سمت ستاره گرفت و گفت: «عزیزم هر موقع کارم داشتی حتما تماس بگیر. یه میس (تک زنگ) بندازی هم کافیه» و چشمکی زد. دنده عقب دور شد و رفت.
همان شب ستاره گوشی را به دست گرفت و از روی کارت ویزیت شماره مونا را ذخیره کرد «طراح و مجری دکوراسیون مونا باقری» ستاره پیغام داد و بابت آن روز زیبا و عصر به یادماندنی تشکر کرد. یک شکلک قلب صورتیِ پاپیون‌زده و یک بوس هم فرستاد. مونا بلافاصله جواب داد. بعد قرار شد که همدیگر را باز هم ببینند و ستاره اصرار کرد که اولین قرار توی خانه خودش باشد.
مونا ایستاده بود پای دیوار و عکس‌های آن‌ها را نگاه می کرد. گفت: «ماشالا شوهر خوش‌تیپی داری ستاره» تا ستاره بخواهد حرفی بزند باز مونا گفته بود: «اصلا به دوتاتون نمیاد ها!» و خندیده بودند. بعد مونا شالش را پشت سرش گره زد و شروع کرد درباره دکور خانه ستاره حرف زدن و عکس‌هایی از گلدان‌های بزرگ و صندلی‌های لهستانی و پارچه‌های راه‌راه سرخپوستی را به ستاره نشان داد. موقع تماشای عکس‌ها گوشی مونا مدام زنگ می‌خورد و مجبور بود که تماس را رد کند یا وقت‌هایی که باید جواب می‌داد، ستاره از طرز صحبت کردنش متوجه می‌شد که یک سر دارد و هزار سودا...
مونا که تماس را قطع کرد رو به ستاره گفت: «یک جمعیت خیریه داریم که برای خانمای بی‌سرپرست بسته‌های جوراواجور درست می‌کنیم. دوست داری کمک کنی؟»
ستاره گفت: «آره واقعا دوست دارم...»
«کمی هم از فضای کارِ خونه و دردسرهای همیشگی دورت می‌کنه عزیزم»
بعد که دوباره نشستند به چک کردن عکس‌ها، مونا داشت از آویزهای کنفی برای گلدان‌های سقفی حرف می‌زد و عکس‌ها را توی گوشی نشان می‌داد که پیامی توی نوار بالای گوشی ظاهر شد «عزیزم کجایی؟» مونا با حرکت انگشت سریع پیام را رد کرد و صدای ایششش و لبخندش قاتی شد. گفت: «نمی‌دونی چقد پیله‌ست. مهندس شرکت ساختمونه که باهاشون کار می‌کنم»
«خب پس مبارکه»
«صاحب شرکته بابا. از این خفناست»
ستاره در روزهای بعد دست‌به‌کار شد. چند گلدان بزرگ با برگ‌های درشت خرید و مدام اسم‌ها را با هم قاتی می‌کرد؛ «آگلونما» را با «دیفن باخیا» اشتباه می‌گرفت و به گلدان «دراسنا» می‌گفت دراسا و اصلا درک نکرد که چرا به درختچه «بنجامین» می‌گوید «یوکا». گلدان‌ها را در همراهی با مونا خرید. آن‌ها را با ماشین سفیدرنگش می‌آوردند و دوتایی با هزار زور و نفس‌نفس زدن آن‌ها را از راه پله‌ها بالا می‌آوردند. همان شب مونا را برای شام دعوت کردند. حمید سر شام از مونا تشکر کرد و گفت: «وگرنه اگر به ستاره باشه که خونه صدسال همینجوری می‌موند» همین حرف باعث شد ستاره تمام مدت شام ساکت بماند. چند لبخند و جمله کوتاه با مونا و بچه‌ها ردوبدل کرد و درعوض مونا دائم از خودش و خاطراتش حرف زد.
یک هفته بعد از آوردن گلدان‌ها بود و ستاره خوراکی‌های دوقلوها را توی کوله‌پشتی‌هایشان جا می‌داد که یک پیام از مونا آمد: «ستاره! الان حمیدو با یک خانمی دیدم» ستاره حس کرد قلبش تیر می‌کشد. هرچه زنگ زد و پیام داد. بی‌جواب ماند. دلشوره عجیبی گرفته بود. یکهو شماره حمید را گرفت...
ادامه دارد...

با اسکن کد قسمت اول داستان را در اینجا بخوانید

طلسم ۳ میلیاردی شیاد بزرگ باطل شد

انهدام باند شیادی در مشهد که به بهانه رمالی از شهروندان کلاهبرداری می‌کردند

محمد جواد ابوعطا
m.abouata@shahraranews.ir

پس از ناکامی های چندباره اش که مدتی به زندان افتاده بود، فضای مجازی را بستری مناسب برای پهن کردن بساطش دید. خوراک آن را هم طرف دارانش با تملق گویی و چاپلوسی می پرداختند که از یک رمال «استاد بزرگ» ساخته بودند. استادی که در خیالشان می توانست کوه را هم جابه جا کند. او با پشتوانه ۲۰ هزار طرف دار (ممبر) در کانال تلگرامی اش با عنوان «باطل السحر»، به راحتی افراد گرفتار در مشکلات روزمره را به دام می انداخت. یکی را با دعا و جادو خام می کرد و دیگری را با استفاده از موکل های خیالی، که برخی از این موکل ها اصلا مسلمان یا ایرانی نبودند. اما تمام این وردها، دعاها و جادوها برای خودش مؤثر نبودند و مانع دستگیری اش از سوی پلیس فتای خراسان رضوی برای سومین بار نشدند.
مرد پنجاه وسه ساله پس از دستگیری در مشهد با اتهام کلاهبرداری با شگرد رمالی، جادوگری و ترویج خرافات در جامعه، هنوز هم مدعی بود که هیچ شکایتی از او نشده و اصلا برای فردی مشکلی ایجاد نکرده است. اما تنها شاکی فعلی پرونده که در گرداب حرف های واهی این فرد گرفتار شده و ۳ میلیارد تومان از دست داده بود، حکایت دیگری داشت.

قایم باشک استاد بزرگ با شاکی

زن مشهدی که در بلوار ملک آباد سکونت داشت و با مشکلات خانوادگی دست و پنجه نرم می کرد، اول تلاش کرده بود با پول خرج کردن دیوار مشکلات را کوتاه کند. اما کمتر به نتیجه دلخواهش رسیده بود. او مثل ریگ بیابان پول خرج می کرد، اما بی حاصل. در این شرایط به دنبال راهی جدید بود تا به خواسته دلش برسد. در این میان یکی از دوستانش با معرفی کانال یک رمال در تلگرام با این ادعا که او می تواند چنین و چنان کند، زن جوان را به گرداب مشکلات بزرگ تر انداخت.
شاکی ابتدا تحقیق کرد و با دیدن پیام سایر اعضای کانال که مشکلاتشان را «استاد بزرگ» حل کرده بود، دل به دریا زد و با این نگاه که مشکلی برای او پیش نخواهد آمد، به مدیر کانال پیام داد و هر روز این ارتباط بیشتر شد. استاد بزرگ به ظاهر مشخصاتی از ظاهر زندگی زن جوان می داد که نمونه اش در خانواده های زیادی به راحتی قابل مشاهده بود و هر روز یک دستور ویژه، یک روز باید آب دعا سر می کشید و یک روز همان دعا را جایی چال می کرد، حتی در جایی مدعی شد که فرزند خردسالش طلسم شده و احتمالا تا چندی دیگر می میرد که دفع طلسم را فقط او می دانست. اما این خدمات آنلاین چندان هم ارزان نبود تا جایی که تنها در ۲ تراکنش ۵۰۰ میلیون تومان به حساب رمال واریز شد.
بوی پول که به مشام رمال می خورد، پروژه های بزرگ تری را برای مشتری پول دارش رو می کند و مدعی می شود که می تواند برای او موکلی غیر مسلمان و خارجی بگیرد تا در ارتباط با هم در حرفه ای که این زن دارد موفق شوند و منفعت زیادی کسب کنند و با اعلام رقم سود چهارده میلیاردی او را حسابی وسوسه می کند.
شاکی که خام حرف های این فرد می شود، مبالغ زیادی برای او واریز می کند، تا جایی که پس از تشکیل پرونده در پلیس فتا و جمع تمام واریزی ها این مبالغ به ۳ میلیارد تومان می رسد. رمال پس از دریافت وجوه برای ارتباط میان شاکی و موکل خارجی، هر روز بهانه جدیدی سر هم می کند، مثلا یک بار که در حال حرکت به سمت مشهد بوده اند به علت شرایط کرونا تا سمنان بیشتر نتوانسته اند بیایند، یا حال موکلش زیاد خوب نبوده و...
بازی قایم باشک استاد بزرگ و شاکی تا آنجا پیش می رود که بالأخره این شیاد اعتراف می کند که از موکل خبری نیست و به اندازه تمام پول های دریافتی تاکنون خدمات داده است. حتی تهدید به شکایت هم نتوانست کاری از پیش ببرد و زن جوان که خود را بازنده می دید برای شکایت به دادسرای ناحیه هفت مشهد مراجعه و با دریافت مرجوعه قضایی به پلیس فتا معرفی شد.

دستگیری استادی که سیکل داشت

براساس تحقیقات صورت گرفته از سوی کارشناسان پلیس فتا، رد این فرد و افراد دخیل در این پرونده در مشهد زده شد و دو روز قبل متهمان شناسایی و دستگیر شدند. به گفته سرهنگ جواد جهانشیری، رئیس پلیس فتای خراسان رضوی، در این پرونده مردی پنجاه وسه ساله که با عنوان استاد بزرگ شناخته می شود به همراه دو جوان حدودا بیست وچهار ساله که در این شیادی ها به او کمک می کردند، دستگیر شدند. جوان ها هر دو دانشجو هستند اما متهم اصلی دیپلم ردی است و مدرک سیکل دارد. پیگیری پرونده نشان داد که این فرد دو سابقه کیفری دیگر نیز در همین زمینه داشته و برای سومین بار دستگیر شده است. تحقیقات برای شناسایی سایر شاکیان و میزان دقیق کلاهبرداری در این پرونده آغاز شده است.

اخبار جهان

ابتلای نیم‌میلیون هندی به کرونا

هندوستان | تسنیم | طبق اعلام وزارت بهداشت هند، شمار مبتلایان به کرونا در این کشور ۵۰۸ هزار و ۹۵۳ نفر شده و تاکنون ۱۵ هزار و ۶۸۵ نفر بر اثر ابتلا به این بیماری جان خود را از دست داده‌اند. رسانه هندوستان تایمز اعلام کرده است که گسترش افسار گسیخته ویروس کرونا در این کشور همچنان ادامه دارد و شمار زیادی از مردم هند درگیر این بیماری شده‌اند.

امتناع پزشک از درمان معلول کرونایی

آمریکا | باشگاه خبرنگاران | یک سازمان حامی حقوق بشر در آمریکا اعلام کرد کارکنان مرکز پزشکی سنت دیوید در آستین جنوبی ایالت تگزاس از پذیرش مایکل هیکسون چهل وشش ساله که از معلولیت نیز رنج می برد و به کروناویروس مبتلا شده بود با این توجیه که او «ارزش زنده ماندن ندارد» امتناع کردند که همین موضوع موجب مرگ او شد.

چاقوکشی مرگ‌بار در مرکز گلاسگو

اسکاتلند | یورو نیوز | فردی با یک چاقو در دست به افراد حاضر در ساختمانی در مرکز شهر گلاسگو در اسکاتلند حمله کرد. در این حادثه ۳ نفر بر اثر ضربه چاقو جان خود را از دست دادند. فرد مهاجم هم با شلیک اسلحه یکی از مأموران پلیس از پا درآمد و یکی از مأموران نیز در این حادثه زخمی و به بیمارستان منتقل شد. هنوز علت و انگیزه این حمله مرگ‌بار مشخص نشده است.

سرقت یک میلیارد تومانی با شاه کلید

دستگیری زن و مرد جوانی که ۲ خانه را در مشهد خالی کردند

مهدی قرآنی
m.ghorani@shahraranews.ir

دزدها دار و ندارش را با خود برده بودند. طلاها، دلارها و حتی وجوه نقدش را. با پلیس تماس گرفت و موضوع سرقت از خانه اش را گزارش کرد. موضوع این پرونده با توجه به حساسیتی که داشت پس از تکمیل تحقیقات اولیه در اختیار کارآگاهان پایگاه سوم پلیس آگاهی قرار گرفت.
مال باخته که به پلیس آگاهی احضار شده بود، در اظهارات خود بیان کرد که سارقان ۲ رشته گردنبند طلا، ۵۰۰ دلار آمریکا، ۷۰۰ دینار عراق، گوشواره طلا، ۳ میلیون ریال وجه نقد و دیگر لوازم قیمتی را از خانه اش در محدوده بلوار عبدالمطلب دزدیده اند.
تیم رسیدگی کننده پلیس پس از دریافت اطلاعات اولیه این پرونده به بررسی سرنخ‌های به جامانده از متهمان پرداخت و طولی نکشید اثر انگشت یکی از سارقان در محل ارتکاب جرم کشف شد.
مأموران پس از بررسی این سرنخ دریافتند که اثر انگشت متعلق به یکی از مجرمان سابقه‌دار است و همین موضوع کار تحقیقات را چند گام جلوتر برد. تیم آگاهی پس از شناسایی متهم پرونده اقدام به رصد میدانی کرده و سرانجام این فرد را در یکی از مناطق حاشیه‌ای شهر مشهد ردزدنی کرد. با شناسایی متهم و محل اختفای او حالا برگ برنده دست کارآگاهان پلیس بود. از همین رو حکم قضایی اخذ و مأموران برای به دام انداختن این مجرم سابقه‌دار به سراغش رفتند. زمانی از شروع این عملیات ضربتی نگذشته بود که مأموران این سارق حرفه‌ای را قبل از اینکه موفق به فرار بشود، زمین گیر کردند. متهم حاضر به همکاری با مجریان قانون نبود تا اینکه ۴ دستگاه گوشی تلفن همراه به همراه ۳۰۰ گرم طلا، مبلغ ۲ میلیون تومان وجه نقد، ۵۰۰ دلار آمریکا، ۷۰۰ دینار عراقی و ۲ رشته گردنبند طلای سرقتی از داخل مخفیگاه او کشف شد. این سارق سابقه‌دار که دیگر راهی برای کتمان حقیقت نداشت به ناچار مقر آمد و همدست دیگر خود را که زنی جوان بود، به پلیس معرفی کرد.
متهم در اظهاراتش به افسر تحقیق این پرونده گفت: «با یک پراید مشکی در محله یا خیابان‌هایی که قصد سرقت در آن را داشتیم پرسه‌زنی و زاغ‌زنی می کردیم. در این میان خانه‌های خالی را شناسایی می کردیم. بعد از شناسایی خانه مورد نظر، شبانه و با استفاده از شاه کلید وارد آن‌ها شده و اقدام به سرقت می کردیم».
به گفته رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی کارآگاهان پایگاه سوم پلیس آگاهی مشهد در ادامه تحقیقات این پرونده همدست متهم اصلی که زنی جوان است را دستگیر کردند.
سرهنگ شفیع زاده بیان کرد: متهمان تاکنون به سرقت ۱۰ میلیارد تومانی طلا و جواهر، پول نقد و لوازم قیمتی از ۲ خانه مسکونی در مشهد اعتراف کرده اند که پرونده آن‌ها پس از تکمیل تحقیقات به دادسرا ارجاع شده و پیگیری ها برای دیگر جرائم احتمالی آن‌ها ادامه دارد.

عکس تزئینی است

سردار محمدکاظم تقوی، رئیس پلیس خراسان رضوی:
مأموران اداره عملیات ویژه پلیس مبارزه با موادمخدر استان در یکی از ورودی‌های مشهد طی بازرسی از یک دستگاه تریلر حمل سوخت ۲۵۷ کیلو تریاک که به طرز ماهرانه‌ای داخل این خودروی سنگین جاسازی شده بود را کشف و ۲ سوداگر مرگ را نیز دستگیر کردند.

جدول شماره: ۲۹۶۱

طراح: امیرعباس واسعی

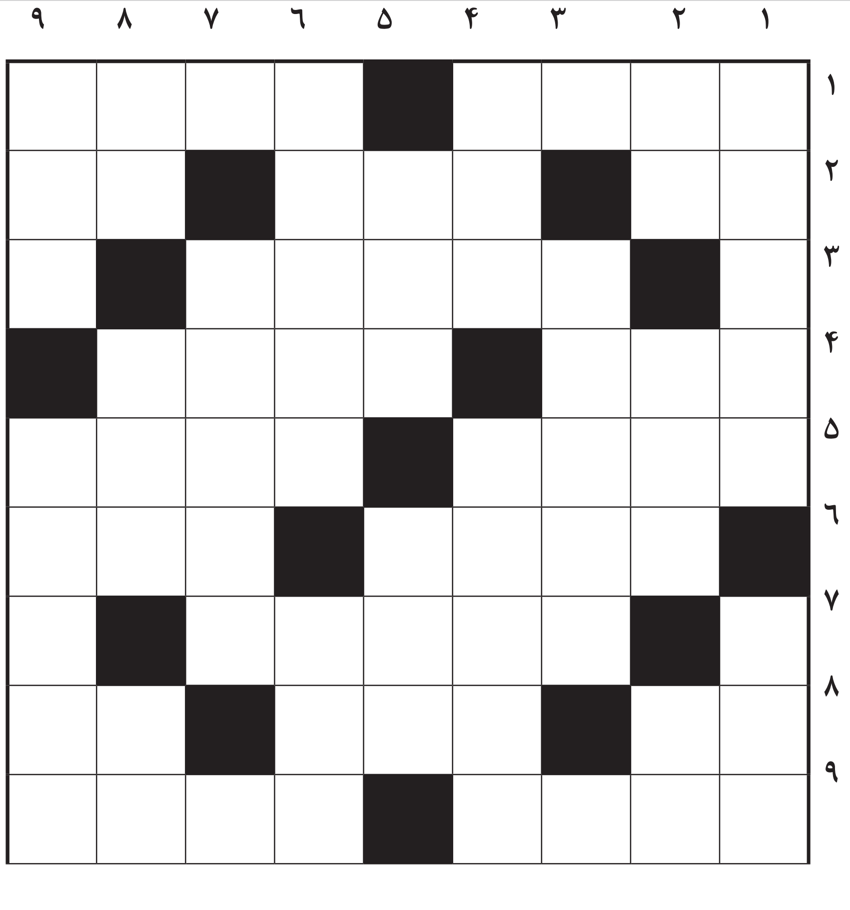

افقی

۱. پیامبر نقاش - بی کس
۲. جوی خون - حرف شرط - از اجزای صورت
۳. بیماری
۴. محل پرش - پسر مرحوم نوروزی
۵. جانور دریایی - محل بازی با سهام!
۶. کشور دیاباته - مسیر
۷. مدل و الگو
۸. یار شلوار - روبه‌رو - مکان
۹. وسط - سروان زمان قاجار

عمودی

۱. جمع رسم - فیلم کیمیایی
۲. تخم مرغ فرنگی - سقف دهان - زمین شوی
۳. شتر بر پشت دارد
۴. گل نومیدی - ضربه شمشیر
۵. عروس آسمان درشب - نماد ایران درجام جهانی
۶. مرداب و آبگیر - قوت لایموت
۷. دیو می‌کشد و بالا می‌رود
۸. دانه خوشبو - چین و چروک - اصفهان قدیم
۹. مادر باران - شاعر مشهور کاشان

پاسخ جدول ۲۹۶۰
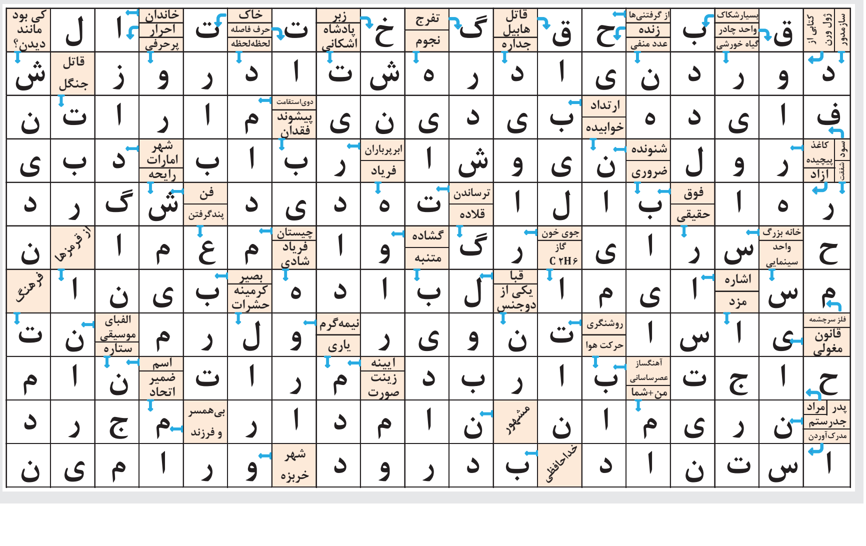
طراح: محمدرضا علیزاده